



قتل میهمان

پیش چشم میزبان

■ آرمین بینا

مرد جوانی که میهمان یکی از دوستانش شده بود وقتی برای میانجیگری بین میزبان و مرد همسایه وارد درگیری شد با ضربات چاقوی فرد دیگری که میهمان همسایه شده بود به قتل رسید. قاتل و همدستش تحت تعقیب مأموران پلیس قرار دارند.

ساعت یک بامداد دیروز چهارشنبه ۱۱ مهر ماه، قاضی حسین گودرزی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از قتل مرد جوانی در یکی از خیابان‌های شرقی تهران باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

قتل میهمان

تیم جنایی جلوی ساختمان مسکونی در محله تهرانپارس با جسد خونین مردی به نام هاشم روبه‌رو شد که با چهار ضربه چاقو به قتل رسیده بود. بررسی‌ها نشان داد مقتول میهمان خانه طبقه سوم این ساختمان بوده که در درگیری میزبان با همسایه‌اش برای میانجیگری وارد درگیری می‌شود و با چاقوی میهمان همسایه که او هم مرد جوانی به نام احسان است به قتل می‌رسد.

اختلاف بر سر شارژ ساختمان

مأموران پلیس در توضیح میدانی در یافتند دوست مقتول که در طبقه سوم این ساختمان همراه خانواده‌اش زندگی می‌کند با واحد روبه‌روی‌شان از مدتی قبل به خاطر شارژ ساختمان اختلاف و درگیری داشته، به‌طوری‌که همسایه‌ها بارها شاهد مشاجره و درگیری آنها بوده‌اند. او مرد همسایه ساعتی قبل با هم درگیر می‌شوند، اما در جریان آن میهمان‌های آنها نزاع خونینی را رقم می‌زنند.

دوست مقتول در توضیح حادثه به مأموران گفت: «چند سالی است که همراه خانواده‌ام در این ساختمان زندگی می‌کنم. من با همسایه‌ها مشکلی نداشتم، اما مدتی قبل با همسایه روبه‌روی مشکلی پیدا کردم. اختلاف ما ابتدا سر شارژ ساختمان بود و البته او رفتار بدست و خوبی هم با اهالی ساختمان نداشت و کارهایش باعث مزاحمت برای همسایه‌ها می‌شد. من و همسر ام رفتار او ناراحت بودیم، به همین دلیل اختلاف ما بیشتر شد. ما سر همین موضوع چندباری با هم درگیری و مشاجره لفظی داشتیم، اما هیچ یک از درگیری‌های ما به زد و خورد نمی‌رسید و با میانجیگری‌های همسایه‌ها با یان می‌یافت.»

مشروب‌خواری

وی ادامه داد: «اختلاف‌های ما ادامه داشت و ما با هم رابطه خوبی نداشتم تا اینکه ساعتی قبل میهمان او در درگیری ما، میهمان مرا به قتل رساند. چند ساعت قبل مقتول و یکی از بستگانم شام میهمان ما بودند. من به خانه مادرم که در همین نزدیکی است رفتم تا برای شام ترشی بپاوم. وقتی به خانه برگشتم دیدم همسایه روبه‌روی به نام ایرج همراه مردی که میهمان او بود جلوی در ورودی با هم مشروب می‌خوردند. آنها مست بودند که به آنها اعتراض کردم و به او گفتم در این ساختمان زن و بچه زندگی نمی‌کنند و جای مشروب خوردن و مست کردن نیست. او و میهمانش به حرف‌هایم توجهی نکردند و مشاجره لفظی ما شروع شد که او به من فحاشی کرد و گفت خانه خودش است و به کسی ربطی ندارد. مشاجره ما بالا گرفت و صدا یمان بلند شد که همسرم متوجه ما شد و از خانه بیرون آمد و با آنها مشاجره کرد. همسرم به آنها اعتراض کرد و از آنها خواست بساطشان را جمع کنند و به خانه‌شان بروند، اما آنها کوتاه نمی‌آمدند. ما با هم بقیه به بقیه شدیم و درگیر بالا گرفت که دوستم از خانه بیرون آمد و خواست بین ما میانجیگری کند. وقتی او وارد درگیری شد ناگهان میهمان ایرج با چاقو به ما حمله کرد و چند ضربه به میهمان من زد. هاشم خونین روی زمین افتاد و ما هم با داد و فریاد درخواست کمک کردیم و ایرج و قاتل هم با دیدن این صحنه از محل فرار کردند. پس از این تلاش کردیم هاشم را برای درمان به بیمارستان برسانیم و از اورژانس در خواست کمک کردیم، اما دوستم فوت کرد.»

هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران دوست مقتول را که درگیری حضور داشت بازداشت کردند. مأموران در تلاشند قاتل فراری و همدستش را بازداشت و زوایای پنهان این حادثه را برملاکنند. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

■ غلامرضا مسکنی

سه قاتل از چهار قاتلی که سحرگاه دیروز برای اجرای حکم در زندان قزلحصار کرج پای چوبه دار رفته بودند، قصاص شدند و یک قاتل هم با گرفتن مهلت از اولیای دم به زندگی امیدوار شد.

سحرگاه دیروز چهارشنبه یازدهم مهر، سه مرد و یک زن محکوم به قصاص که در حادثه‌های جداگانه در سال‌های قبل در تهران مر تکب قتل شده بودند، برای اجرای حکم در زندان قزلحصار کرج پای چوبه دار رفتند. در حالی که چهار متهم طناب دار به گردنش آویزان شده بود و آخرین لحظات زندگی‌شان را سپری می‌کردند تیم صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران به سرپرستی قاضی محمد شهرپاری، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران تلاش زیادی کردند تا اولیای دم قاتلان را در آخرین ثانیه‌ها بکشند و به آنها زندگی دوباره بدهند. در جریان این تلاش‌ها، اولیای دم یکی از مقتولان با گذاشتن شرطی به قاتل مادرشان مهلت دادند تا در فرصت بعدی تصمیم به اجرا یا بخشش قاتل بگیرند، اما اولیای دم به مقتول دیگر حکم قصاص متهمان را اجرا کردند.

قاتل پیر زن

قاتلی که با مهلت اولیای دم طلب دار از گردش برداشته شد و به سلولش بازگشت پسر جوانی به نام مهیار است. مهیار روز ۲۶ اردیبهشت ماه سال ۹۹ پیرزنی به نام گوهر را به خاطر سرقت مالوالش در خانه‌اش به قتل رساند.

■ آغاز ماجرا

ساعت ۱۷:۲۰ روز حادثه، مرد جوانی با اداره پلیس تماس گرفت و اعلام کرد مادر سالخورده‌اش به قتل رسیده‌است. با اعلام این خبر، تیمی از مأموران کلانتری ۱۵۳ شهرک ولیعصر (عج) راهی محل و در خانه قدیمی با جسد زن ۷۰ ساله‌ای به نام گوهر روبه‌رو شدند که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود.

پسر مقتول به مأموران گفت: «مادرم در این خانه تنها زندگی می‌کرد و من و برادران و خواهرام به او سر می‌زدیم و از طریق دوربین مداربسته‌ای که در خانه نصب کرده بودیم، از دور مواظبش بودیم. ساعتی قبل وقتی می‌خواستیم از طریق دوربین‌ها محل زندگی مادرم را چک کنم، متوجه شدم دوربین‌ها قاطع شده و هر چندر هم به تلفن همراه مادرم زنگ نمی‌تلفن را جواب نداد. نگارش شدم و به خانه‌اش آمدم و با این صحنه خونین روبه‌رو شدم.»

بسته معیشتی

مأموران پلیس در بررسی محل حادثه در یافتند زن سالخورده دیروز به قتل رسیده و عامل قتل هم طلاهای او اسرقت کرده‌است. همچنین مشخص شد قاتل برای اینکه ردی از خود به جای نگذارد، دوربین‌ها را با خودش برده‌است. از سوی دیگر بررسی‌ها نشان داد آخرین فردی که به خانه مقتول آمده پسر جوانی بوده که بسته معیشتی برای گوهر آورده‌است. همچنین پسر مقتول هم تأیید کرد که روز قبل پسر جوانی به بهانه دادن بسته معیشتی به خانه مادرش رفته بود.

■

فرجام ۴ قاتل پای چوبه دار

۳ قاتل قصاص شدند و یک قاتل مهلت گرفت



خانهاش می‌خواهد محل زندگی‌اش را تغییر دهد. از طرفی اما خبر داشتیم حمید مدتی است با همسرش اختلاف دارد.»

■ **اعتراف**

با طرح این ادعا تحقیقات مأموران وارد مرحله تازه‌ای شد و در بررسی‌ها در یافتند همسر مرد گمشده به نام فتنه از مدتی قبل با مرد جوانی به نام شهپاز ارتباط پنهانی دارد. بنابراین کارآگاهان فتنه را بازداشت کردند و مورد بازجویی قرار دادند. وی ابتدا ادعا کرد از سر نوشتش شوهرش بی‌خبر است، اما در بازجویی‌های فنی به قتل شوهرش و آتش زدن جسد او با همدستی مرد مورد علاقه‌اش اعتراف کرد. وی گفت: «مدتی بود یکی از دوستان شوهرم به نام شهپاز به خانه ما رفت و آمد داشت و ما کم‌کم به هم علاقه پیدا کردیم. ما تصمیم گرفتیم با هم زندگی کنیم، اما شوهرم سrah ما بود که شهپاز پیشنهاد داد او را از سر راه برداریم. از طرفی هم همسرم به رابطه ما مشکوک شده بود و چاره‌ای نداشتم جز اینکه او را حذف کنیم. من طبق نقشه شدت زخمی او را سیمی دور گردن همسرم انداختم و او را خفه کردم و بعد هم جسدش را داخل کارتن بزرگی گذاشتم. سپس به بهانه اینکه می‌خواهم خانه را

رنگ کنم، بعضی وسایل را و از جمله کارتی که جسد همسرم داخل آن بود با کمک خواهرم به بیرون منتقل کردیم. البته به خانواده شوهرم گفتم داخل کارتن کتاب است. پس از این همراه جسد به سراغ شهپاز رفتم و دو نفر جسد حمید را در حوالی ساوجبلاغ آتش زدیم.»

■ **ردپای همسر**

با طرح این شکایت، تحقیقات برای پیدا کردن ردی از مرد جوان آغاز شد، اما مأموران هیچ ردی از حمید پیدا نکردند. در حالی که تحقیقات ادامه داشت، خانواده مرد گمشده دوباره به اداره پلیس رفتند و اعلام کردند به عروس‌شان مشکوک هستند. یکی از آنها گفت: «همان روز حادثه، عروسم تعدادی کارتن همراه خواهرش از خانه به بیرون منتقل کرد و الان هم به بهانه رنگ آمیزی

قتل بر سر سیگار

دومین قاتلی که سحرگاه دیروز پای چوبه دار موفق به گرفتن رضایت از اولیای دم نشد، پسر جوانی به نام بهمن بود که دو سال قبل در درگیری در نزدیکی پاتوق معنادانی در جنوب تهران مر تکب قتل شد.

ساعت ۶:۳۰ صبح روز شنبه نوزدهم آذر ماه سال ۱۴۰۱، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۱۷ جوادیه از قتل پسر جوانی با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در نزدیکی ترمینال جنوب با جسد پسر جوانی به نام کامران روبه‌رو شدند که با ضربه چاقو به قتل رسیده بود. تحقیقات مأموران نشان داد مقتول شب قبل پس از قمار بر سر یک پاکت سیگار با یکی از دوستانش به نام حامد درگیر می‌شود و ساعتی قبل هم دوست حامد او را با جسد ضربه چاقو به قتل می‌رساند. مأموران هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی متهمان را تحت تعقیب قرار دادند و در نهایت حامد و بهمن را بازداشت کردند.

■ **قصاص**

حامد گفت: «ما هر سه معتاد بودیم و همیشه سر یک پاکت سیگار قمار می‌کردیم. شب حادثه او برد و قرار شد من یک پاکت سیگار بخرم، اما تصور کردم او تقلب کرده‌است و از بهمن خواستم او را گوشمالی دهم. صبح روز حادثه بهمن را همراه کارنران سدل کرد و او را با چاقو زد.

قاتل هم در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: «حامد از من خواست مقتول را کتک بزنم و من هم دستور او را اجرا کردم. اما وقتی با هم درگیر شدیم از ترس چاقویم را از جیبم بیرون آوردم و ضربه‌ای به او زدم که باعث مرگش شد. اولیای دم برای متهم در خواست قصاص کردند و حکم قصاص هم پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی فرستاده شد و در نهایت سحرگاه دیروز متهم با حضور اولیای دم قصاص شد.

قتل در سفر مخانه

آخرین متهمی که پای چوبه دار رفت و قصاص شد، مرد جوانی به نام خسرو بود. وی شامگاه سه‌شنبه هفدهم آبان ماه سال ۱۴۰۲ در درگیری در یکی از قهوه‌خانه‌های شرق تهران مرد ۲۶ ساله‌ای به نام بهرام را با ضربات چاقو به شدت زخمی کرد. پس از این، مرد زخمی برای درمان به بیمارستان منتقل شد، اما قاتلی از بامداد روز چهارشنبه گمشته بود که به مأموران خبر دادند بهرام بر اثر شدت جراحات فوت کرده‌است. با اعلام خبر قتل مرد جوان، تیمی از کارآگاهان جنایی برای بررسی حادثه وارد عمل شدند و عامل قتل را بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و در دادگاه هم به قصاص مقتول شد. اولیای دم سحرگاه دیروز قاتل را قصاصی کردند.



۲ مرد متجاوز اعدام شدند

■ آرمین بینا

دو متهم از هفت متهم اتباعی که پنج سال قبل زن جوانی را به بهانه فروش خانهای به باغی کشانده و به او تجاوز کرده بودند، صبح دیروز اعدام شدند.

یکی از روزهای مهرماه سال ۹۸ زن جوانی وحشت‌زده به اداره پلیس تهران رفت و از شش مرد شیطان صفت به اتهام تجاوز شکایت کرد. وی در حالی که آثار ضرب و جرح روی بدنش نمایان بود به مأموران گفت: «مدتی قبل من و شوهرم تصمیم گرفتیم خانه ویلایی بخریم و به همین دلیل آپارتمان محل زندگی‌مان را فروختیم. هر روز سایت‌ها را برای خرید خانه ویلایی جست‌وجو می‌کردم تا اینکه با آگهی روبه‌رو شدم و با شماره تلفنی که زیر آن نوشته بود، تماس گرفتم. مرد جوانی تلفن را برداشت و مدعی شد صاحب خانه به خارج رفته و خانه‌اش را به او سپرده تا بفروشد. من با او قرار گذاشتم تا برای بازدید به آن خانه برویم. وقتی جلوی در خانه ویلایی رسیدیم، می‌خواستیم با شوهرم تماس بگیرم تا همراه او وارد خانه شوم، اما او در راز باز کرد و مرا به داخل هل داد. داخل خانه باغ مفت مرد اتباع دیگر هم بودند که به جز یک نفر از آنها، بقیه به زور به من تجاوز کردند. هر چندر تماس و گریه کردم، فایده‌ای نداشت و سه ساعت بعد مرا رها کردند. آنها فیلم جسد دختری را به من نشان دادند و گفتند او در مقابل خواسته شیطانی‌شان مقاومت کرده بود که او را کشته‌اند.»

■ **بازداشت**

با شکایت زن جوان، مأموران به خانه باغ مورد نظر رفتند و در یافتند صاحب خانه خارج از ایران است و خانه‌اش را به مرد اتباعی به نام بشیر که در بنگاه املاکی کار می‌کند، سپرده است تا بفروشد. مأموران در بررسی‌های فنی بشیر را مدتی بعد بازداشت کردند و وی هم به جرم خود با همدستی هفت نفر از هم‌ولایتی‌هایش اعتراف کرد. وی گفت: «من در کار خرید و فروش املاک فعالیت می‌کنم. روز حادثه وقتی زن جوان برای خرید برای من تماس گرفت، وسوسه شیطانی به سراغم آمد و با دوستانم هماهنگ کردم به او تجاوز کنیم. دوستانم به خانه باغ رفتند و من هم زن جوان را به داخل کشاندم و به او تجاوز کردیم.»

با اعتراف متهم، مأموران شش نفر از همدستان او را بازداشت کردند، اما یکی از متهمان فراری شد. متهمان همگی به جرم خود اقرار کردند و راهی زندان شدند. متجاوزان پس از تکمیل پرونده در دادگاه محاکمه شدند و شش نفر از آنها به اعدام محکوم شدند و یک متهم دیگر که فقط موبایل شاکری را سرقت کرده بود، به حبس جزائم و شناسایی سایر شاکیان در اختیار حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد و صبح دیروز دو نفر از متجاوزان اعدام شدند و متهمان دیگر در نوبت اعدام قرار دارند.

بازداشت زورگیران جنوب تهران

پایگاه به محل سرقت اعزام، تحقیقات میدانی انجام شد و با استفاده از شیوه‌های نوین کشف جرم پس از چند مرحله تحقیقات گسترده در نهایت موفق شدند مخفیگاه وی را در محدوده خاوران تهران شناسایی و در یک عملیات غافلگیرانه وی را دستگیر کنند و به پایگاه ششم پلیس آگاهی به همراه موتورسیکلتی که با آن مرتکب سرقت می‌شدن، انتقال دهند.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ در ادامه با بیان اینکه متهم پس از انتقال به مقر پلیس به سرقت به شیوه زورگیری با همکاری همدستش اعتراف کرد، گفت:

سوار هستند که سوار بر موتورسیکلت آپاچی مشکی رنگ تلفن همراه و اموال قیمتی شاکری را سرقت کرده‌اند. کارآگاهان در گام نخست با شکایت‌های مشابه و متعددی روبه‌رو شدند که دو سارق زورگیر با همین شیوه و شگرد دست به سرقت از شهروندان زده بودند. بدین ترتیب موضوع به صورت ویژه در دستور کار تیم مبارزه با سرقت به عنف پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

این مقام انتظامی در ادامه تصریح کرد: در ادامه اکیبی از کارآگاهان مجرب این

آگهی مزایده اموال غیر منقول (استاد/دمه /چک بلا محل) پرونده های اجرایی با کلاسه های بایگانی ۹۹۰۱۲۴۵ و ۹۹۰۱۲۴۶

به موجب پرونده های اجرایی با کلاسه های بایگانی ۹۹۰۱۲۴۵ و ۹۹۰۱۲۴۶ (پانزده سپهه و هشتاد صدم سپهه) از ۹۶/۶۶۵۷ سپهه مشاع از شش‌دانگ پلاک ثبتی ۱۱۸۲۰ فرعی (بازده هزار و هشتصد و بیست فرعی) از ۸۹۲ اصلی (هشتصد و نود و دو اصلی) واقع در ناحیه ۱۰۷ احوال ملک۱ آقای سیاوش موزمی فرزند غلامحسین با شماره شناسنامه: ۱۱۸۹ و شماره ملی: ۴۰۲۸۱۰۱۳۴۱ تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۰۶/۳۱ که پلاک مذکور در نشانی: احوال زیتون کارمندی بین فیروز نو و فیلسوف پاساژ گل طبقه زیر زمین واحد ۱۱ که به موجب گزارش ارزیابی به شماره ۴۰۲/۲۸۵ مورخ ۱۳۸۵/۰۳/۱۴ کارشناس رسمی دادگستری میزان /سهم ملک مورد مزایده یک واحد تجاری واقع در طبقه زیر زمین یک مجتمع تجاری و اداری در چهار طبقه شامل زیر زمین و همکف و دو طبقه بالای همکف بوده و تحت عنوان پاساژ گل قرار دارد، طبق سند به مساحت ۳۷/۹۷ متر مربع (سی و هفت متر و نود هفت صدم متر مربع) که در روز بازدید به دو قسمت مجزا و دو مغازه تقسیم شده و در بد مستاجرین بوده و فعالیت کسی در آن مشاهده گردید. اعیان احدانی با سازه فلزی و سقف تیرچه پلوک، پوشش گدسرامیک، نمای بیرونی شیشه سکوریت، دیوارهای آجری و روکار داخلی بدنه سرامیک و دیوار کوب و ارتفاع تک تا سقف حدودا ۲/۸۰ متر می باشد. محل بهره مند از امکانات و خدمات شهری و دارای امتیاز اشتراک و انشعابات آب و برق می باشد با این حدود و مشخصات: شمالا: به طول ۳/۵ متر دیواربست به عرصه پلاک ۱۱۶۷/۸۹۲، شرقا: به طول ۱۰/۸۸۵ متر دیوار بستست به عرصه پلاک ۱۱۶۸/۸۹۲، جنوبا به طول ۲/۵۰ دیوار بست به عرصه پلاک ۱۱۶۸/۸۹۲، غربا در سه قسمت اول به طول ۳/۲۷ متر دیوار بست اشتراکی با پلاک ۱۱۸۲/۸۹۲ و دیوار بست به راهرو اشتراکی سوم به طول ۳/۱۲۶ دیوار بست اشتراکی با پلاک ۱۱۸۹/۸۹۲ که بهای میزان ۶۶/۶۵۷ سپهه مشاع (شصت و شش سپهه و شصده و پنج و هفت هزار سپهه) از ۱۰۰ سپهه شش‌دانگ پلاک موصوف به مبلغ ۹۹۸/۵۵۰۰۰۰ (نه میلیارد و نهصد و نود و هشت میلیون و پانصد و پنجاه هزار ریال) و بهای میزان ۱۵/۸۰ سپهه مشاع (پانزده سپهه و هشتاد صدم سپهه) از ۱۰۰ سپهه شش‌دانگ به مبلغ ۳۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (دو میلیارد و سیصد و هفتاد میلیون ریال) ارزیابی گردیده، مزایده از ساعت ۱۲ الی ۱۳ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۰/۰۷/۱۴ در اداره اجرای اسناد رسمی احوال واقع در احوال کوی نبوت بلوار دماوند جنب دادگستری یا هنر از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از مبلغ فوق شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی تقدافروخته می شود و کلیه هزینه های قانونی پرداخت بدهی های مربوط به آب برق گاز اعم از حق انشعاب و با حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد، به عهده برنده مزایده است و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول خواهد شد. شرکت در جلسه مزایده منوط به پرداخت ۱۰ درصد مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است. لذا خریدار یا خریداران می یابست تا قبل از شروع مزایده اصل فیش واریزی پرداختی ۱۰ درصد را به اداره اجرا تسلیم و مابقی مبلغ نیز ظرف مدت ۵ روز پس از مزایده به حساب سپرده های ثبت واریز نمایند.

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۰۷/۱۲
نشانه آگهی: ۱۷۹۹۱۷۴

